

طراز سخن سکه ی نام توست  
بنمای ابد جرعه ی جام توست

# طراز

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، تیر ماه ۱۳۹۵

آنچه در این شماره می خوانید:

- ❖ کدام اسلام رحمانی؟
- ❖ فرهنگ = هوا
- ❖ تمدن ما عین مهدویت ماست!
- ❖ نیاز تراشی، نفوذ اقتصادی غرب



همه باید در حد خودمان در این  
شرایط فریادمان معرفی اسلام  
رحمانی و سیره پیامبر برای  
جهانیان باشد!

ضرورت دارد تصویری واقعی از  
اسلام رحمانی، اسلام صلح و  
دوستی و برادری، به تمامی  
جهانیان ارائه کنیم.

# کدام اسلام رحمانی؟



## سخن سردبیر

اعلام جهاد کبیر توسط مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری امام حسین(ع) حجت را بر همه دغدغه مندان انقلاب اسلامی تمام کرد. معظم له پیش از این نیز بارها و بارها در ساحات مختلف گفتمان انقلاب اسلامی به ویژه در عرصه فرهنگ اعلام جهاد نموده بودند. امروزه جمهوری اسلامی ایران پیشرفت های چشم گیری در عرصه فنون و علوم مهندسی داشته است. فناوری موشکی، فناوری هسته ای، نانو، علم پزشکی و... دستاوردهای بارز ۳۶ سال گذشته است. اما آیا این پیشرفت ها به تنهایی می توانند تضمین کننده آینده انقلاب اسلامی باشند؟ قطع یقین اگر در حوزه نرم افزاری نتوانیم به رشد متعالی و درخور توجه ای برسیم و انقلاب اسلامی نتواند جایگاه خود را در تامین نیازهای زندگانی بشر و سبک زندگی بیابد طولی نخواهد کشید که در بهترین حالت خلاء های موجود کنونی توسط گفتمان های رقیب پر شده و از انقلاب اسلامی تنها پوسته ای باقی خواهد ماند. تاریخ نیز این واقعیت را به خوبی نشان می دهد. شوروی سابق با پیشرفت های سخت افزاری بسیار نتوانست حیات خود را ادامه دهد و همه آن پیشرفت ها را برای گفتمان رقیب به ارث گذاشت و خود به زباله دان تاریخ پیوست.

مجموع فرمایشات رهبر معظم انقلاب و برهه ی تاریخی حساسی که انقلاب اسلامی در آن واقع گردیده است ما را بر آن داشت تا در حد وسع و توان خود گامی در عرصه جهاد کبیر برداریم.

در سطح کلان مطابق با فرمایشات آیت الله خامنه ای (حفظه الله) سه محور اصلی برای این نشریه در نظر گرفته شده است:

۱) تعمیق فرهنگ اسلامی

۲) تبیین گفتمان انقلاب اسلامی

۳) اقتصاد مقاومتی

امید است با توکل بر خداوند متعال، توسل بر امام زمان(عج) و مدد شهدای جبهه حق بتوانیم هرچند کوچک گامی موثر برداریم.

♦ مدیر مسئول و سردبیر

محمد صادق عبداللهی

♦ استاد مشاور

احسان خسروجردی

♦ دبیر بخش سیاسی

جلال راغ

♦ دبیر بخش فرهنگی - هنری

شهرزاد اعتمادی

♦ دبیر بخش اقتصادی

محمد صادق عبداللهی

♦ هیئت تحریریه

عادل علیپور، حمید رضا شب بویی، مرتضی

داوودندی، توحید صدر محمدی، شبنم دیاله آبادی،

مهسا رجبی، مرصیه حجازی فر

♦ تماس با ما

تلفن: ۰۹۱۳۹۹۳۳۰۷۵

ایمیل: mo.roshangar@gmail.com

تلگرام: @mo.roshangar

لطفا نظرات و پیشنهادات خود را جهت انتشار بهتر

نشریه به ما برسانید.

همچنین شما می توانید موضوعات مورد نظر خود را

اعلام نموده تا در نشریه به آن ها بپردازیم.



آنچه خواهید خواند

۲ | کدام اسلام رحمانی؟

۳ | فرهنگ = هوا

فرهنگ انقلابی

۴ | سیاست انقلابی تمدن ما عین مهدویت ماست



۶ | نیاز تراشی، نفوذ اقتصادی غرب

اقتصاد انقلابی



در ماه مبارک رمضان، مقام رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- به ولایت کلی الهی بالاصاله تمام برکات را در این جهان بسط داده است و ماه شعبان که ماه امامان است؛ به برکت ولایت مطلقه، به تبع رسول الله همان معانی را ادامه می‌دهد.

پس ماه رمضان ماهی است که تمام پرده‌ها را دریده است و وارد شده است جبرئیل امین بر رسول خدا و به عبات دیگر، وارد کرده است پیغمبر اکرم جبرئیل امین را در دنیا، و ماه شعبان ماه ولایت است و همه این معانی را ادامه می‌دهد. ماه رمضان مبارک است که قرآن بر او وارد شده است و ماه شعبان مبارک است که ادعیه ائمه- علیهم السلام- در او وارد شده است. ماه مبارک رمضان (است) که قرآن را وارد کرده است.

قرآن مشتمل بر تمام معارف است و تمام ما یحتاج بشر است و ماه شعبان، که ماه امامان است، ادامه همان حقیقت است و همان معانی در تمام دوره‌ها. آن چیزی که در قرآن به طور اسرار است، در ادعیه ائمه ما به طور اسرار است.

منبع: بیانات در جمع گروهی از مسوولان نظام

(۲۵ فروردین ۱۳۶۶)

فرمایشات امام خمینی(ره) در کرامات

ماه مبارک رمضان و شعبان

ماه رمضان مبارک است که قرآن بر او وارد شده است و ماه شعبان مبارک است که ادعیه ائمه- علیهم السلام- در او وارد شده است. ماه مبارک رمضان (است) که قرآن را وارد کرده است.

ماه رمضان، ماه نبوت است و ماه شعبان، ماه امامت. ماه رمضان، لیله القدر دارد و ماه شعبان، شب نیمه شعبان دارد که تالی لیله القدر است. ماه رمضان مبارک است؛ برای اینکه لیله القدر (دارد) و ماه شعبان مبارک است؛ برای اینکه نیمه شعبان دارد. ماه رمضان مبارک است؛ برای اینکه نزول وحی در او شده است یا به عبارت دیگر، معنویت رسول خدا وحی را نازل کرده است و ماه شعبان معظم است؛ برای اینکه ماه ادامه همان معنویات ماه رمضان است. این ماه مبارک رمضان جلوه لیله القدر است که تمام حقایق و معانی در او جمع است و ماه شعبان، ماه امامان است که ادامه همان است.

در یک دهه‌ی اخیر به‌ویژه با اوج‌گیری خشونت‌های به وجود آمده در جهان صحبت از "اسلام رحمانی" زیاد شده است، و به کرات در سخنان متفکرین غرب گرامر طرح می‌شود. اما این اسلام رحمانی به چه معناست؟ اسلام رحمانی در سه سطح قابل طرح است:

**سطح اول:** این سطح ریشه در فرهنگ و عرفان اسلامی دارد. با این نگاه هستی سراسر بر اساس عشق و محبت خداوند خلق گردیده است. حضرت حافظ می‌فرماید:

در ازل پرتوی حسنت ز تجلی دم زد  
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

از این منظر نه تنها اسلام بلکه هستی همه بر اساس رحمت الهی است. اگر اسلام رحمانی که امروز مطرح می‌گردد منطبق با این نوع نگاه باشد اشکالاتی بر آن وارد است:

(الف) آیا خداوند تنها جلوه رحمت خویش را به مخلوقات نشان داده است؟ آیا قرآن کریم که بیانگر سخن خالق است تنها منحصر به آیات رحمتی است؟ آیا در قرآن کریم هیچ سخنی از خشم خداوند نیامده است؟  
(ب) انسان‌هایی مانند ائمه اطهار(ع) و پیامبر اکرم(ص) مصداق بارز یک نمونه انسان متعالی هستند که همه صفات الهی در آن‌ها بروز نموده است. آیا این بزرگواران فقط جلوات رحمانی داشته‌اند؟ آیا در مقابل ظالمان نایستاده و با کفر مبارزه نکرده‌اند؟

**سطح دوم:** دومین سطح به عرفان و تصوف مطرح در جهان اسلام بر می‌گردد. تصوف در همه‌ی کشورهای جهان اسلام وجود داشته و دارد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد هر زمان که مشکلات و سختی‌های مسلمانان و فشارهای داخلی و خارجی در یک کشور زیاد شده گرایش به سمت تصوف و عزلت نشینی اوج گرفته و اسلام ناب محمدی(ص) به یک اسلام

منفعل و گوشه نشین تبدیل می‌گردد که ابداً ظلم ستیز نبوده و مظلوم را به تسلیم بودن به سرنوشت الهی دعوت می‌کند و ظلم را ناشی از قضا و قدر الهی می‌داند. احتمالاً با توجه به خشونت‌های مطرح در جهان اسلام در آینده شاهد افزایش این گروه‌ها در جهان اسلام باشیم.

**سطح اول: ریشه در فرهنگ و عرفان**

**سطح دوم: ریشه در تصوف**

**سطح سوم: ریشه در لیبرالیسم**

**سطح سوم:** این سطح یک قرائت راست و لیبرال از اسلام ناب می‌باشد. اسلام رحمانی در این سطح، اسلامی است که آموزه‌های آن با آموزه‌های لیبرال در هم تنیده و بیش از هر چیز دایه دار اخلاق است و شعارهای زیبای اخلاقی می‌دهد. این جریان معتقد است خونریزی و خشونت دیگر کفایت، برخی آموزه‌های اسلام خشونت آمیز است و باید با چشم پوشی از آن‌ها به سوی اخلاق رفت. اما چه تضمینی وجود دارد که التقاط آموزه‌های اسلام و لیبرال و حذف برخی از آن‌ها اخلاق را به ارمغان آورد؟



دکتر روحانی در پیام تبریک ماه رمضان به سران کشور های اسلامی:  
ضرورت دارد با مشارکت جمعی و همدلی و همبستگی، تصویری واقعی از  
اسلام رحمانی، اسلام صلح و دوستی و برادری، به تمامی جهانیان ارائه  
کنیم و در ساختن جهانی عاری از خشونت و افراطی‌گری پیشگام شویم.

## فرهنگ = هوا

به قلم برادر تومید صدر

«فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می کنیم، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است.» اینها جملاتی است که مقام معظم رهبری در اولین روز سال ۹۳ در تعریف فرهنگ بیان فرمودند؛ این تعریف در مجموع تعاریف جامعه شناسی که تا کنون در دنیا مطرح شده است از اهمیت بسزایی برخوردار است.

تعبیر از فرهنگ به هوا و ناچار به نیاز داشتن آن از جمله مبانی است که کلیات فرهنگ را می سازد. اما نکته قابل توجه اینجاست که هر جامعه ای به تناسب جوامع خرد و افراد تابعه خود دارای شرایط و فرهنگ خاص خود می باشد. هر جامعه ای متأثر از فرهنگ های تک تک جوامع خرد درون خود است و هر جامعه خردی متأثر از فرهنگ گروه های تشکل دهنده اش می باشد و هر گروهی متأثر از فرهنگ خانواده های محدوده خود است و هر خانواده متأثر از اعضا و افراد خود تعریف می شود. این روند که تأثیر فرد بر جامعه را می رساند، روند عکس آن نیز برای تأثیر پذیری فرد از جامعه تعریف و عملیاتی می شود. در این میان حاکمیت و سیستم مدیریتی در جامعه ای اقدام به ارائه تعاریفی در خصوص توانمندی و شاکله فرهنگی و اجتماعی خود می کند که از چند محور عمده ی: تعلیم و تربیت، آداب و رسوم، تحصیلات و علم آموزی، تدین و معارف دینی و... تشکیل می شود. این محورها در جامعه فرهنگی هر اجتماعی دارای شاخص ها و معیارهای خاص خود می باشند. با توجه به اینکه وجود این محورها از الزام برخوردار است ولی شاخص های آن نسبت به شاخصه های جامعه دیگر هیچ الزامی به تشابه ندارد.

مسئلاً در تعاریف ارائه شده از سوی حاکمیت جامعه و متن جامعه در حوزه های مختلف فرهنگی تفاوت هایی را خواهد داشت، چرا که حاکمیت از نگاه آرمان گرایی و جامعه از نگاه اقدام و میزان ظرفیت های مختلف اقشار گوناگون خود فرهنگ را تعریف می کنند.

در صورت بروز اتفاقاتی از جمله: تقابل، تضاد، فاصله بیش از حد و ... بین این دو تعریف فرهنگ در یک جامعه موجب ایجاد تنش و ناآرامی بین حاکمیت و ملت خواهد شد. ماهیت انقلاب از جمله نتیجه این تفاوت نگرش و عمل بین حاکمیت و مردم است. حال هرچه عاملان این انقلاب موفقیت به ارائه تعاریف و شاخص های صحیح و مطلوب جامعه هدف بشوند پایداری و استقامت جامعه به وجود آمده از انقلاب بیشتر خواهد بود.

بلکه برعکس آموزه های اسلام به گونه ای است که اگر بخشی از اسلام پیاده شده و بخشی دیگر نادیده گرفته شود، همان بخش اجرا شده به ضد اسلام تبدیل می شود.

پیامبر اکرم در حدیثی می فرماید: «در ظلمی که واقع می شود سه دسته مقصرند؛ آن که ظلم کرده است، مظلومی که اجازه داده است در حقش ظلم شود و مردمی که با سکوت خود ظالم را همراهی کرده اند.»

بر طبق این حدیث اگر به بهانه مقابله با خشونت ظلم ستیزی از یک جامعه حذف گردد آن جامعه خود در وقوع ظلم شریک می باشد یعنی نه تنها مقابل خشونت نمی تواند ایستادگی کند و اخلاق را حاکم کند بلکه خود بستر ساز بی اخلاقی و ظلم می باشد!!!! لذا دین همه دین است و نمی توان آن را گزینشی عمل کرد.

با توجه به سطوح ذکر گردیده لازم است کسانی که در داخل کشور از "اسلام رحمانی" سخن به میان می آورند و جهان را به آن دعوت می نمایند مشخص کنند بر اساس کدام یک از سطوح فوق سخن می گویند؟ و اسلام رحمانی ذکر گردیده توسط آن ها چه شاخصه ها و مؤلفه هایی دارد؟

رویکرد تمدن مهدوی بدین معناست که مهدویت را ناظر به شکل دادن یک تمدن بدانیم. به بیان دیگر در رویکرد تمدنی، مهدویت ناظر بر یک اتفاق مقطعی برای برپایی حکومت عدل جهانی نیست؛ بلکه ناظر بر روی کار آمده یک تمدن الهی به جای یک تمدن غیر الهی است و آنچه که انبیای بزرگ الهی از روز نخست هبوط آدم تا قیام نوح و دیگر انبیای پیگیر آن بوده‌اند، مقدمات تشکیل این حاکمیت تمدنی بوده است.

### ضرورت رویکرد تمدنی و راهبردی به مهدویت

اگر ما از انتظار ظهور امام عصر(ع) سخن می‌گوییم و اگر داعیه‌دار زمینه‌سازی برای ظهور هستیم، باید رویکردی تمدنی به مهدویت داشته باشیم و در واقع به گونه‌ای راهبردی به مهدویت بپردازیم.

تا پیش از انقلاب رویکرد منفعلانه بر مباحث مهدویت حاکم بود، به طوری که انتظار داشتیم تا وقتی که اقدامی انجام نداده‌ایم، ظهور به سمت ما خواهد آمد. یا قیام امام(ره) و با طرح مباحثی که ایشان درباره مهدویت اعلام کردند، فهمیدیم که تا حرکت نکنیم، ظهور اتفاق نمی‌افتد و اصلاً فلسفه ظهور بر همین مبنا استوار شده است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».

باید در وهله نخست وضعیت خودمان را در این مسیر مشخص و روشن کنیم و بعد ادامه مسیر را ترسیم کنیم. در میانه راه بودن، آسیب تلقی نمی‌شود؛ ما قسمتی از مسیر را طی کرده‌ایم و مقداری از آن باقی مانده است؛ این نگاه امیدوارکننده است و حرکت ایجاد می‌کند. پیمودن راه باقیمانده، ناامیدی یا غرور ایجاد نمی‌کند که در همین مرحله بمانیم.

### چهار مرحله تمدن‌سازی اسلامی

#### ❖ تحول در دین؛ نخستین مرحله

اگر جریان تمدن‌سازی را در طول تاریخ بشر تعقیب و اصول و موازین آن را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که هر تمدنی نیاز به تحول در عرصه دین دارد. این تحول در انقلاب با

قرائت نوع نگاه شیعی انقلابی مبتنی بر ولایت فقیه انجام شده است، اینکه چقدر این موضوع در جامعه ما نهادینه و تبدیل به یک اصل شده، موضوعی است که در فاز اول اتفاق افتاده است. با توجه به این رویه می‌توان گفت که موضوع تحول در دین در جامعه ما تا حدود زیادی رخ داده است.

#### ❖ دومین مرحله؛ نهضت علمی

دومین مؤلفه و حلقه تشکیل دهنده تمدن نوین اسلامی، نهضت علمی است که در تمدن‌های دیگر هم سراغ داریم. تمدن با نهضت علمی رابطه دارد و نهضت علمی خنثی نیست، بلکه جهت‌گیری آن همان جهت‌گیری است که تحول دینی ایجاد می‌کند. ما در طی این سال‌ها تحول علوم انسانی و اسلامی شدن علوم را داشته‌ایم و همان نگاه انقلابی شیعه معاصر که در عرصه دین شروع شده بود، هم‌اکنون در حوزه علم هم شاهد آن هستیم.

طبیعتاً به نظر می‌رسد که تشکیل تمدن نوین اسلامی در وهله نخست با تحول دین آغاز و این امر سبب شد که توفیقات بسیاری حاصل شود و زمینه ایجاد کند که بعدها روی علم هم تأثیر بگذارد. این رویه اتفاق افتاد و باعث شد که سرعت خوبی هم در طی این سال‌ها داشته است.

#### ❖ تحول در فرهنگ و سبک زندگی؛ سومین مرحله

سطح سوم تمدن نوین اسلام، تحول در فرهنگ و سبک زندگی است که بر اساس آن تحول علمی بنا می‌شود. با نگاه به این حلقه‌ها متوجه می‌شویم که علم سر در دامن دین دارد و فرهنگ و

سبک و زندگی سر در آستان علم. ما بر اساس علمی که تولید می‌کنیم، شیوه جدیدی از تعاملات ارتباطی زندگی و سبک زندگی را طراحی که در قالب آن زندگی‌مان را اداره می‌کنیم. این همان تأکیدات مقام معظم رهبری است که حلقه سوم تمدن‌سازی را شکل می‌دهد.

تا حرکت نکنیم، ظهور اتفاق نمی‌افتد و اصلاً فلسفه ظهور بر همین مبنا استوار شده است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

### چه تفریحی از نظر اسلام صحیح است؟

شهادت آیت الله بهشتی:

هر کسی ساعاتی از زندگی را برای کار کردن احتیاج دارد. همچنین بعد از آن چند ساعتی که کار می کند، خواه ناخواه خسته می شود و به زمانی برای تفریح و رفع خستگی احتیاج دارد. تفریح هم که در اسلام حلال است... انسان باید در زندگی تفریح کند، منتها تفریحات سالم. بعد از اینکه رفع خستگی کرد، یک مقدار از وقتش را هم برای اندیشیدن درباره زندگی احتیاج دارد تا ببیندیشد و ببیند بالاخره زندگی و هدف از آن چیست؟ ... بنابراین بشر در شبانه روز یک مقدار از وقتش را برای اندیشیدن احتیاج دارد؛ اندیشیدن جدی که درباره هدف گیری جدی زندگی فکر کند و ببیندیشد.

در اسلام از هر چیز که مانع درست اندیشی بشر درباره زندگی باشد با عنوان لهو نامبرده و تحریم شده یا لاقبل بگوئیم ممنوع شده است... عده ای از مردم هستند که ساعات کارشان صرف کار و ساعات تفریحشان هم صرف تفریح می شود و هنگامی که دیگر هیچ کاری ندارند و وقتشان خالی است، آن را با سرگرمی های بی هدف می گذرانند.

کسی که خسته است و میخواهد تفریح کند این تفریح او هدف دارد؛ هدف او رفع خستگی است... اما یک وقت است که خسته هم نیست و فقط وقت اضافی دارد و می خواهد وقت گذرانی کند و نمیداند این وقت اضافه اش را چه جور بگذرانند... هدف و مقصود جدی برای پر کردن این وقت اضافی ندارد. به این سرگرمی می گوئیم لهو!

در اسلام چیزی که بشر را به سوی این روش سوق دهد که ساعات اضافی را صرف سرگرمی های بی هدف کند ممنوع شده است!

منبع: کتاب موسیقی و تفریح در اسلام صفحه ی ۲۷ و ۲۸

❖ مرحله چهارم؛ بروز دستاورهای تمدنی

در مرحله چهارم و مرحله نهایی براساس فرهنگ و سبک زندگی ای که شکل می گیرد، دستاوردهای ملموس تمدنی در عرصه های مختلف علم، معماری، تکنولوژی و... بروز می کند. به نظر می رسد که در حال ورود به آن مرحله نیز هستیم. بنابراین تمدن سازی نوین اسلامی راهی است که حداقل باید چهار مرحله اتفاق بیفتد تا تثبیت شود و ما در هر یک از مراحل مقداری جلو رفته ایم؛ آنچه گفته شد می توان به این نتیجه رسید که تمدن سازی نوین اسلامی مراحل مختلفی دارد که ما در برخی از این مراحل به مقداری پیش رفته ایم؛ در مراحل قدیمی تر بیشتر جلو رفته ایم و در مراحل جدیدتر در ابتدای راه هستیم.

### غرور؛ مهم ترین مانع راه تمدن سازی

در نگاه آسیب شناسانه باید گفت که ما در تمامی مراحل موفق عمل کردیم، هر کدام از مراحل را به درستی بعد از نتیجه گرفتن از مرحله قبل آغاز و توالی زمانی را در این امر رعایت کردیم، اما مهم ترین آسیب و مانعی که مد نظر ماست و رد پای آن را حتی می توان در دوره های تاریخی گذشته هم دید، «غرور» است. اینکه فکر می کنیم که به انتهای راه و مقصد رسیدیم و سست و ناتوان از پیمودن مسیر شویم؛ اما اگر با همان توان پیش برویم، می بینیم که راه بسیاری باقی است.

### مرز اتکای به نفس و غرور

موضوع اعتماد به نفس یا بازیابی هویت و اعتماد به هویت مرحله ای است که در ابتدای کار، بعد از تحول دینی اتفاق می افتد و یکی از زیرشاخه های تحول دینی می توان تلقی کرد. تحول دینی سبب می شود که افراد در این تمدن به بازیابی هویت پردازند و با این نگاه وارد تحول علمی شوند. موضوع هویت و اعتماد به نفس در این مقطع رخ می دهد که تا حدود بسیاری زیادی در انقلاب ما شکل گرفته است.

به قلم برادر عمیر رضا شب بویی

بسیار افرادی هستند که شاید از منظر نگاه عرف نیازمند باشند اما با این تعریف نه تنها نیازمند نیستند بلکه ثروتمندند زیرا آنها نسبت به مسائلی که ما احساس نیاز میکنیم احساس نیاز نمی کنند پس

نیازمند نیستند. مشخصه بزرگ و اصلی سبک زندگی غربی همین کلید واژه است "نیاز تراشی غیر واقعی"!

یعنی غرب برای جلو بردن نگاه سرمایه داری خودش و در اسارت آوردن تمامی اقسام بشر در یک سبک زندگی از پیش تعیین شده، داتما برای شما نیازهایی ایجاد میکند که رفع آن نیازها صرفا در اختیار خودش بوده و شخص دیگری توانایی پاسخ به آن نیاز را ندارد؛ بدون آنکه متوجه باشیم رفع این نیاز تازه ایجاد شده، هیچ تاثیری در رشد و تعالی انسانیت او ندارد بلکه آسیب های

جدی بر جریان طبیعی زندگی وارد کرده و زندگی را مختل کرده است و مجددا برای همان اختلال نیز باید به غرب رجوع کرد و درمان بعدی را از او تقاضا کرد و این تسلسل ادامه دارد.

مثال ساده و پیش پا افتاده ی این موضوع بخشی از فضای درمانی طب به اصطلاح مدرن است که برای یک بیماری کوچک و خفیف مثل سردرد ناشی از کمبود مواد قندی بدن، انواع مسکن ها را به شما تجویز می کند (این مرحله ایجاد نیاز رسیدن به آرامش موقتی است) و هنگامی که شما آن داروها را استفاده کردید در مدتی بعد به عوارضی که بر روی جعبه آن دارو نوشته شده مبتلا میگردید و اختلالات بعدی و بعدی در بدن شما شکل می گیرد؛ از حالا دیگر شما یک عضو مصرف کننده تولیدات کاذب غربی هستید و به این راحتی نمی توانید انصراف دهید زیرا که برای درمان مشکلات جدید باید مجددا با نقشه اسارت همان نظام بی عاطفه که

متأسفانه سبک زندگی غربی غالب در این ایام باعث گردیده حتی مدت کوتاهی نیز برای تأمل بر دلیل و فلسفه انجام بسیاری از امور وقت نداشته باشیم و ماشین وار زندگی را جلو ببریم.

اما گاهی واقعا لازم است دستانمان را بر دکمه PAUSE این سبک زندگی بزنیم و بنشینیم و فکر کنیم که چرا؟ دلش چیست؟ ارزشش دارد؟

و اگر به نتیجه ای رسیدیم PLAY آن را فشار دهیم. یکی از مهم ترین مسائلی که شاید ارزش PAUSE کردن داشته باشد این است که بررسی کنیم نیازهایمان چیست و آیا تلاش های بی وقفه ای که انجام میدهیم برای رفع همین نیازهاست؟ یا حتی اصلا داریم برای رفع نیاز واقعی تلاش میکنیم یا نه؟

این جاست که ابتدا باید تعریفی از نیاز داشته باشیم و سپس با شاخص تشخیص نیاز واقعی به سراغ نیازهایی رویم که برای رفع شدنش تلاش می کنیم آنگاه میتوان ارزیابی کرد که اصلا ما نیازمندیم یا خیر؟

نیاز چیست؟

در تعریف عقلایی از نگاه ادیان الهی آن چیزی نیاز است که با رفع شدنش بشر یک پله به رشد و کمال انسانیش افزوده می گردد.

مثلا وقتی شما نسبت به زور گویی بی تفاوتید یعنی نیازمندید و نسبت به مقابله با زور و ظلم فقیر هستید یا در مثالی شخصی تر، شما وقتی فقیر نسبت به غذا هستید، که احساس گرسنگی کنید زیرا با غذا خوردن شما، گرسنگی تان برطرف می شود و آن گاه با زنده بودن می توانید در مسیر رشد و تعالی الهی قدم بگذارید یعنی در هر دو مثال رسیدن به رشد و تعالی، آن نیاز را واقعی میکند. این تعریف به وضوح برایمان روشن می کند که







در بلادشان بیشترین  
ضربه را به  
مردمان زبان  
بسته اش زده و  
این فقر آن قدر  
شدید است که راه  
برای این سیستم باز  
شده تا از این جهالت و  
فقر استفاده کند و از دلش

تولید داعش ها، تروریست ها و... کنند. اکنون که به این  
جنبه از قضیه می نگریم متوجه می شویم که برای رهایی  
از این اسارت نرم ابتدا باید الگوی اقتصادی تولید کنیم که  
اولین رکنش رفع نیاز متناسب با تعالی بشر باشد و با نگاه  
عطوفت و دلسوزی پدرا نه نسبت به اعضای جامعه اش  
نیازهای اصلی بشر را رفع کند تا روز به روز آنها را رشد  
دهد و بزرگ و بزرگ تر کند.

نهایتا اینکه

«اقتصاد مقاومتی نبایدهایش مهمتر است. یک کارهایی  
را نباید کرد. شناسایی این نبایدها خیلی مهم است.  
بعد جرأت اقدام این نبایدها خیلی مهم است. در زمینه  
ی بازرگانی نمونه های مهم هست، در زمینه های  
صنعتی و فنی همینجور، در در زمینه ی آموزش دانشگاه  
ها همین جور. اقتصاد مقاومتی معنایش این است که  
انقلاب نشان بدهد که هویت درونی این کشور و این ملت  
قادر است خود را اداره کند و رشد بدهد و تعالی بدهد.  
این معنای اقتصاد مقاومتی است. این باید تحقق پیدا  
کند.»<sup>۱</sup>

به نظر می آید دیگر PLAY نکنیم بهتر است و شاید  
بهتر باشد خودمان برای ادامه دادن حتی اصطلاحی بهتر  
تعریف کنیم.

خودش باعث ایجاد این اختلالات بوده جلو روید و درمان  
را عاجزانه از او تقاضا کنید و این تسلسل و اسارت ظالمانه  
ادامه پیدا میکند....

و عملا هرچه این عضو گیری بیشتر شود تقاضای عاجزانه  
درمان های کاذب و در اصل تقاضای نیاز تراشی بیشتر  
شده و راه نفوذ آن الگوی اقتصادی وابسته ساز به جامعه  
به راحتی باز میگردد و روز به روز افراد جامعه را با بی  
رحمی به اسارت خود در می آورد و هرچه جامعه آماری  
بند اسارت غرب بیشتر باشد راه نفوذ او وسیع تر می گردد.  
این مثال بسیار ساده و پیش پا افتاده ای بود که شاید  
برای همه قابل تجربه بوده است اما در سطح کلان مصداق  
هایی وجود دارد که وقتی به آن نگاه میکنیم می بینیم  
شاید بخشی از عمرمان را در اسارت یک سیستم بی رحم  
و وحشی گذشته است و به دلیل غفلتمان هیچ گاه  
نتوانسته ایم علیه آن قیام کنیم.

تولید نیازهای شهوانی عجیب و غریب برای تزریق فرهنگ  
بی عاطفگی و شکست خانواده، تولید نیازهای تکنولوژیکی  
کاذبی که به وجود آمدنش جز بر گرفتاری و دوری افراد  
و عدم آرامش چیزی نداشته و برای حل این مشکلات باید  
از خودشان راهکارهای روانشناسی کنترل آن را بخواهیم  
، تولید فراوان نیازهای ماشینی که روز به روز انسانها را به  
سمت خمودی و احساس  
بی فایده‌گی در جامعه جلو میبرد  
و شکست ها و ناامیدی ها را  
افزایش داده و برای رفع آنها بشر  
را نیازمند خود می کند و غیره  
و غیره و غیره.

که اگر هنوز PLAY نکرده‌ایم  
می بینیم که قبل از ایجاد  
اینگونه احساس نیازها ما بسیار  
ثروتمند و بی نیاز و آزاد بوده و  
هستیم و این جامعه غربی است

که در سطح فقر به سر می برد و فقر این جامعه غربی نیز

مشقه بزرگ و  
اصلی سبک زندگی  
غربی همین کلید  
واژه است؛

نیاز تراشی

غیر واقعی

۱. گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان  
کشور ۱۳۹۵/۰۱/۲۴



# جهاد کبیر

در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جِهْدْهُمْ بِه جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره‌ی مبارکه فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جهدْهُمْ به» یعنی به وسیله قرآن با آنها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: وَ جِهْدْهُمْ بِه جِهَادًا كَبِيرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است.... «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر». این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه می‌کند.